



خطری که اسلامیت و جمهوریت نظام را تهدید می کند.

مردم ایران در دوازدهم فروردین به «جمهوری اسلامی» با قاطعیت آری گفتند. پیش و پس از این روز حماسی، بحث های مختلفی در خصوص مفهوم «جمهوری اسلامی» مطرح بوده است. این بحث ها کماکان هم ادامه دارد و اندیشمندان و فعالان سیاسی و اجتماعی، کم و بیش به این موضوع می پردازند. به گمان من، این گونه بحث ها هم مفید است و هم لازم و می تواند در فهم بهتر ما از ماهیت نظام مستقر در کشورمان کمک کند.

از همان ابتدا پرسش اصلی این بوده است که چه نسبتی میان «جمهوریت» و «اسلامیت» نظام برقرار است. «جمهوری» بودن نظام به معنای آن است که خواست مردم در اولویت است و «اسلامی» بودن آن یعنی ارزش های اسلامی بر هر چیز دیگری مقدم است. حال پرسش این است که وقتی می گوئیم «جمهوری اسلامی» کدام یک را مقدم داشته ایم؟ آیا رای و خواست مردم تعیین کننده نهایی است و یا هدف، استقرار ارزش های اسلامی است، ولو به این که مردم تمایلی به آن نداشته باشند؟ معتقدم مفهوم «جمهوری اسلامی» ای که مردم به آن رای داده اند، به این معنا است، که جمهور یا همان اکثریت مردم، به اسلام رای داده اند. لذا تعارضی میان جمهوریت و اسلامیت نیست. ترکیب «جمهوری اسلامی» ناظر به یک واقعیت بیرونی در کشور ایران است و نه یک ترکیب صرفاً مفهومی. البته این فرض وجود دارد که در جامعه ای، خواست اکثریت و یا همان جمهور مردم، چیزی غیر از اسلام باشد، ولی واقعیت جامعه ایران نشان دهنده این است که مردم ایران، عموماً به ارزش های اسلامی باور دارند، هر چند در حد و حدود این ارزش ها ممکن است اختلافاتی باشد. به عبارت دیگر نه جمهوریت نظام، تهدیدی برای اسلامیت آن است و نه اسلامیت آن تهدیدی برای جمهوریت. آنان که نگران اسلامیت نظام هستند، باید مطمئن باشند که ما در هر موردی که به ملت رجوع کنیم، اکثریت ملت، چیزی جز اسلام را انتخاب نمی کنند. کسانی هم که نگران جمهوریت نظام هستند، بدانند که اسلامیت مستقر در کشور ما، نتیجه انتخاب جمهور مردم بوده است. مساله جمهوریت و اسلامیت، سابقه ای فراتر از آنچه در دوازدهم فروردین سال 58 اتفاق افتاد دارد. دوازدهم فروردین سال 58، تاییدی بود بر آنچه که قرن ها در کشور ما وجود داشته است. ملت ایران، قرن ها است که اسلام را به عنوان یک حقیقت ناب انتخاب کرده است. لذا اسلامیت نظام ما ریشه در انتخاب جمهور مردم دارد.

کسانی که در گوشه و کنار کشور، قیم مأبانه، خود اسلام را تفسیر می کنند و بر همان تفسیر خود، راه را بر حضور ملت در عرصه تعیین سرنوشت کشور می بندند، به این بهانه که مبادا حضور مردم، تهدید کننده اسلامیت نظام باشد، باید بدانند که همین ملت ایران بوده است که قرن‌ها اسلام را در آغوش خود پذیرفته است و همین نظامی هم که امروز مدعیانی دارد، حاصل انتخاب این مردم بوده است. آنان که دغدغه دین دارند و به این بهانه، نگران مردم سالاری هستند باید بدانند که انتخاب ملت ایران، حداقل در چندین قرن گذشته، هیچگاه خارج از اسلام نبوده. لذا نباید به بهانه تهدید اسلامیت، راه را بر تفکرات مختلف درون نظام بست.

اسلام چارچوب‌های تفکری را مشخص کرده است و عموم مردم ایران هم آن را پذیرفته اند. اما درون این چارچوب، سلايق مختلفی می گنجد و کسانی که به بهانه اسلامیت، سلیقه ای غیر از خودشان را غیر اسلامی می دانند، هم به اسلامیت نظام ضربه می زنند و هم به جمهوریت آن. نگاه قیم مأبانه به ملت ایران - که صدها سال است اسلام را برگزیده اند- و عدم اعتماد به انتخاب ملت و سعی در منحرف کردن آن، اسلامیت و جمهوریت را همزمان به خطر می اندازد.

جمهوری اسلامی با گرمی پذیرای اقلیت های دینی و مذهبی است. زندگی مسالمت آمیز جمهور ملت ایران که مسلمان اند، با اقلیتهای دینی و مذهبی، سابقه اش به درازای پذیرش اسلام و حتی پیش از آن در این کشور است. لذا گرچه نظام ما جمهوری است، این جمهوریت، نفی کننده حقوق اقلیت ها نیست. ایران از جمله کشورهایی است که درگیری های فرقه ای در آن قریب به هیچ بوده است. گرچه در سایر کشورها، که بعضا در همسایگی ما هم هستند، هنوز هم چنین منازعات خشونت باری هست، ولی ایرانیان صدها سال است که همزیستی مسالمت آمیز را تجربه می کنند. از آن سو، اسلامیت نظام نیز، نفی کننده حقوق اقلیت های دینی و مذهبی نیست. اگر معیار ما در اسلامیت، رفتار رسول خدا (ص) و ائمه علیهم السلام و آموزه های قرآنی باشد، این سه منبع اساسی دین، حقوق اقلیت ها را با انصاف و همدلی تمام پذیرفته اند و سیره عملی رسول خدا و امامان بزرگوار شیعه نیز موید همین نکته است. هر گونه اجحاف به حقوق اقلیتهای دینی که در قانون اساسی کشورمان نیز تصریح شده است، خاستگاهش نه جمهوریت نظام است و نه اسلامیت آن، بلکه ناشی از فهم غلط و تنگ نظرانه از هر دو مقوله جمهوریت و اسلامیت است.

امید است با درک بهتر و دقیق تر از مقوله جمهوری اسلامی، که حقیقتا حاصل تعامل مثبت ملت ایران و اسلام عزیز بوده است، و به کنار گذاشتن روحیه قیم مأبی و نیز تنگ نظری ها، موجبات استحکام هرچه بیشتر پایه های جمهوری اسلامی را فراهم کنیم. بدانیم که کج فهمی از این مقوله، ما را هم از ناحیه جمهوریت و هم از ناحیه اسلامیت نظام ضربه پذیر می کند و این خطری بزرگ برای جامعه ما است.